عدم حضور [ˈæbsəns] n. غیبت

غیبت حالت دور بودن چیزی است.

an ماسه در ساعت شنی وجود ندارد.

با صدای بلند

aloud [udlaud] adv. با صدای بلند

اگر چیزی را با صدای بلند بگویید ، آن را می گویید تا دیگران شما را بشنوند.

father پدر من غالباً برای من و خواهرم داستان با صدای بلند می خواند.

بدون مو

طاس [bɔːld] adj. بدون مو

اگر کسی کچل باشد ، مو ندارد.

oldest برادر بزرگ من کچل است.

پتو

پتو [ˈblæŋkɪt] n. پتو

پتو پارچه ای است که برای گرم نگه داشتن یا نشستن از آن استفاده می کنید.

→ پتو را روی زمین گذاشتم تا بتوانیم پیک نیک بزنیم.

خزیدن

creep [kriːp] v خزش

خزیدن یعنی حرکت آرام و آهسته.

→ گربه به آرامی روی درخت فرو رفت.

طلاق

طلاق [dɪˈvɔːrs] n طلاق

طلاق رویدادی است که در آن ازدواج به پایان می رسد.

rates نرخ طلاق در بیست سال گذشته افزایش یافته است.

تقلید کردن

تقلید [ˈɪmɪteɪt] v تقلید

تقلید از کسی دقیقاً همان کاری است که او انجام می دهد.

او با پوشیدن لباس از ابرقهرمان محبوب خود تقلید کرد.

نوزاد

infant [ənfənt] n. نوزاد

نوزاد نوزاد است.

→ کودک تمام شب گریه می کرد.

ادم دزدی کردن

آدم ربایی [ˈkɪdnæp] v آدم ربایی

آدم ربایی به معنای غیرقانونی بردن اوست.

to او از فهمیدن پسرش ربوده شده بسیار ترسیده بود.

چرت زدن

nap [næp] n. چرت زدن

چرت خواب کوتاه است ، معمولاً در طول روز.

nap چرت کوتاهی زدم چون دیشب دیر وقت بیدار ماندم.

هیچ کجا

nowhere [ounouhwɛə: r] مشاوره هیچ کجا

شما از هیچ کجا استفاده نمی کنید تا بگویید مکان یا چیزی وجود ندارد.

→ متأسفانه آب در هیچ کجا یافت نشد.

پت کردن

pat [pæt] v. پت کردن

ضربه زدن به چیزی این است که آن را به آرامی با دست خود بزنید.

some مقداری لوسیون روی صورتم زدم.

تسکین

Relief [rɪˈliːf] n تسکین

تسکین احساسی است که با پایان یافتن اتفاق بد یا چالش برانگیز دریافت می کنید.

when وقتی خبر خوب را شنیدم احساس آرامش کردم.

تکثیر

تولید مثل [riːprəˈdjuːs] v تولید مثل

تولید مثل یعنی ساختن چیزی دقیقاً همانطور که شخص دیگری آن را انجام داده است.

→ بچه ها سعی کردند با استفاده از بلوک اسباب بازی خانه خود را تولید کنند.

قافیه

rhyme [raɪm] n قافیه

قافیه داشتن همان صداها در انتهای کلمه است.

→ هومپتی دامپتی قافیه ای قدیمی است که کودکان در مدرسه یاد می گیرند.

مکیدن

مکیدن [sʌk] v مکیدن

مکیدن این است که چیزی را در دهان خود بگذارید و سعی کنید طعم آن را بدست آورید.

→ کودک شیر را از بطری خود مکید.

فوری

اضطراری [ˈəːrdʒənt] adj. فوری

اگر کاری فوری است ، مهم است و باید اکنون انجام شود.

→ او مجبور شد اکنون برود. فوری بود

محو شدن

vanish [ˈvænɪʃ] v ناپدید شدن

ناپدید شدن ناگهانی رفتن است.

→ همه مسافران از ایستگاه قطار ناپدید شدند.

واگن

wagon [ˈwæɡən] n. واگن

واگن گاری است که برای حمل وسایل سنگین از آن استفاده می کنید.

→ وی برای حمل برخی از هدایای خود از واگن خود استفاده کرد.

چین و چروک

چین و چروک [ˈrɪŋkəl] n. چین و چروک

چین و چروک خطی در صورت فرد است که با پیر شدن رخ می دهد.

grand پدربزرگ من چروک صورت دارد.

پیتر و کوتوله

پیتر یک شکارچی بود. یک روز او در تعقیب آهو بود و گم شد. وقتی به بیابان می رفت معمولاً با خودش قطب نما داشت ، اما آن روز آن را در خانه گذاشت.

همانطور که قدم می زد ، جنگل جلوه دیگری پیدا می کند. او بامبو ندید. در عوض ، بوته هایی با برگهای بلند وجود داشت. اکوسیستم اکنون بسیار غیر طبیعی بود. پیتر می دانست که او در مرداب جادویی است.

حالا او خسته و تشنه شده بود. او ترسیده بود. گم شدن در باتلاق می تواند کشنده باشد. وقتی مردم وارد آن می شدند ، هرگز بیرون نمی آمدند.

سرانجام ، او یک برکه یافت. گلها در اطراف آن رشد کردند. شکوفه ها بوی بهترین عطر را می دادند. او احساس آرامش کرد بنابراین مقداری آب نوشید و خوابید. وقتی از خواب بیدار شد ، کوتوله ای شیطانی را دید که به او خیره شده است.

" اینجا چه میکنی؟" پرسید کوتوله با گویش عجیبی صحبت می کرد.

پیتر گفت: "من گم شده ام." " میشه به من کمک کنید؟"

این گفت: "بله ،" اما پیتر نمی دانست که این غیر صادقانه است.

کوتوله نسخه خطی قدیمی را از جیب خود برداشت. این یک نقشه جادویی بود. کوتوله توضیح داد: "فقط کلمات موجود در پایین را بخوانید." "این به شما نشان می دهد که چگونه به خانه بروید."

پیتر گفت: "خوب است." بی تاب بود و سریع نقشه را گرفت.

او کلمات جادویی را خواند ، و یک خط روی نقشه ظاهر شد. او روزها پیاده روی کرد اما هرگز از باتلاق خارج نشد. سرانجام ، نقشه او را به حوضچه برگرداند. دایره ای راه می رفت!

کوتوله هنوز آنجا بود. "این یک ضرب المثل است که باید به آن فکر کنید" ، گفت: "وقتی صبر از دست رفت ، شما هم همینطور."